



علمای شافعی و ابن تیمیه

* حبیب عباسی



◆ چکیده

ابن تیمیه که یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان وهابیت است و آرای او مبانی فکری علمای وهابی بوده، نقش به سزایی در رشد و گسترش تفکر سلفی و بعدها شکل‌گیری وهابیت داشته است. علمای مذاهب اسلامی با درک خطر افکار التقاطی وی، همواره به نقد وی پرداخته و در جهت مقابله با این افکار تلاش کرده‌اند. از این رو، برای شناخت وهابیت و مقابله با آن، آگاهی از دیدگاه علمای اهل سنت که با رویکرد علمی به نقد افکار وی پرداخته‌اند، ضروری به نظر می‌رسد.

این مقاله در صدد است تا نظر برخی از مهم‌ترین منتقدین و مخالفین ابن تیمیه، از علمای مذهب شافعی چون ذهبی، و سبکی از معاصرین تا علمای قرون متأخر را بررسی کند تا زمینه برای شناخت صحیح و دقیق این فرقه فراهم گردد.

کلیدواژگان: ابن تیمیه، وهابیت، مذهب شافعی، توسل، زیارت قبور.

از آنجا که ابن تیمیه یکی از بنیان‌گذاران فکری وهابیت و حلقه وصل تفکر سلفی با وهابیت شناخته می‌شود، برای نقد وهابیت شناخت همه جانبه آرا و اندیشه‌های وی ضروری به نظر می‌رسد. برای نقد اندیشه ابن تیمیه، لازم است آرا و دیدگاه‌های معاصرین ابن تیمیه و دیگر علمای اهل سنت درباره ابن تیمیه بررسی شود.

♦ ابن تیمیه کیست؟

نام وی ابوعباس احمد بن عبدالحلیم، معروف به ابن تیمیه و بنیان‌گذار فکری وهابیت است. وی در سال ۶۶۱ ق در حرّان، از توابع شام به دنیا آمد. به علت ترس از حملات مغولان به شام، عبدالحلیم پدر وی، با تمام خانواده‌اش به دمشق کوچ کردند.

او عقیده تشبیه و تجسیم و جهت داشتن خداوند را مطرح کرد. وقتی ساکنان شهر حماة از او درباره آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۱ پرسیدند، وی در تفسیر آن جایگاهی برای خداوند در عرش تعیین کرد. چنان‌که در دیگر فتاوی وی نیز مشهود است، وی قائل به جسمانیّت خداوند بود و این نظر را به ظاهر آیات و روایات نسبت می‌داد. از خصوصیات بارز ابن تیمیه، فتوا دادن بر خلاف آرای مشهور و اجماع میان مسلمین بود. دیدگاه او، به دلیل ضعف مبانی و استدلال در مقابل علمای شام و خشونت در کلام و بدزبانی‌اش در گفتار، رواج نیافت و علمای زیادی به نقد و ردّ آن پرداختند.

بنابر نقل ابن کثیر، در شوال ۷۰۷ ق، صوفیه به سبب جسارت‌های ابن تیمیه به ابن عربی، به دولت مصر شکایت کردند و دولت او را محاکمه کرد.

قاضی بدرالدین شافعی، ابن تیمیه را به عنوان یک عنصر منحرف محکوم کرد، دولت مصر ابن تیمیه را به زندان انداخت^۲ و عاقبت در سال ۷۲۸ ق در زندان قلعه دمشق درگذشت.

۱. سوره طه، آیه ۵.

۲. البدایة و النهایة، ج ۱۴، ص ۵۱.

♦ علمای اهل سنت و اندیشه‌های ابن تیمیه

با ظهور ابن تیمیه و عرضه آرای مخالف کتاب و سنت، تعداد زیادی از علمای مذاهب اعم از حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی، چه در زمان حیاتش و چه پس از وفاتش، به مخالفت با وی پرداختند و به تبیین عقاید انحرافی او مبادرت ورزیدند که در این مجال به آرای علمای مذهب شافعی اشاره می‌کنیم:

۱. محمد بن عبدالرحیم هندی ارموی (م ۷۱۵ق)

وی از علمای برجسته مذهب شافعی در فقه، اصول و کلام است که در سال ۶۴۴ ق در هند به دنیا آمد و در سال ۷۱۵ ق در دمشق از دنیا رفت. وی از جمله کسانی است که برای مقابله با افکار انحرافی ابن تیمیه به مناظره با وی پرداخت.^۱

۲. محمد بن محمد بن عمر بن مکی، معروف به ابن وکیل (م ۷۱۶ق)

وی از اهالی دمیاط است که با پدرش به دمشق آمد و به درجات علمی رسید و مدتی در حلب زندگی کرد و در سال ۷۱۶ ق در قاهره از دنیا رفت. زرکلی در شرح حال وی نگاشته است که وی از فقیهان و شاعران مذهب شافعی بود و هفت سال ریاست دارالحدیث اشرفیه دمشق را به عهده داشت.

وی از اولین کسانی است که اقدام به مناظره با ابن تیمیه کرد.^۲

۳. علی بن یعقوب بن جبریل بکری (م ۷۲۴ق)

وی از علمای شافعی مذهب مصر و از جمله منتقدین ابن تیمیه در مسائل اعتقادی خصوصاً بحث استغاثه و توسل است و در این زمینه کتابی از ابن تیمیه با نام *الرّد علی البکری* وجود دارد.^۳

۴. کمال الدین زملکانی انصاری شافعی (م ۷۲۷ق)

ابن زملکانی محمد بن علی کمال الدین، از فقها و رؤسای مذهب شافعی بود.^۴

۱. معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

۲. الأعلام، ج ۶، ص ۳۱۴.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۳.

۴. همان، ج ۶، ص ۲۸۴.

ابن کثیر درباره وی می‌نویسد: «وی استاد شافعیه در عصر خود بود که ریاست تدریس و افتا و مناظره به او واگذار گردید و بر هم‌دوره‌های خود در مذهب شافعی چیره گشت و برتری یافت».^۱

وی از علمای بزرگ معاصر ابن تیمیه، امام مفتی و قاضی القضاات شام بود و به زعامت مذهب شافعیه و مقام فتوا و مناظره دست یافت. ایشان کتاب‌های العمل المقبول فی زیارة الرسول^۲، الدرّة المضيئة فی الرد علی ابن تیمیه^۳ و رساله دیگری در موضوع طلاق بر رد افکار ابن تیمیه نگاشته است.^۴

۵. شهاب‌الدین احمد بن یحیی حلبی شافعی، معروف به ابن جبرئیل (م ۷۳۳ق) وی از علمای شافعی است و کتابی با نام خبر الجهة فی الرد علی ابن تیمیه فی العقائد تحریر کرد.^۵

۶. شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ق)

شمس‌الدین ذهبی از علمای معاصر ابن تیمیه و از استوانه‌های علمی اهل سنت در زمینه‌های مختلف خصوصاً حدیث و رجال حدیث است. وی در سال ۶۹۵ ق برای تکمیل مطالعات و فراگیری علوم مختلف عازم مصر شد.

وی صاحب تألیفاتی چون الکاشف فی معرفة من له روایة فی الكتب الستة، تذکرة الحفاظ، میزان الاعتدال و تاریخ الإسلام است.^۶

مشهور است که وی نصیحتی به ابن تیمیه داشته است که به النصیحة الذهبیة معروف شده است و نسخه خطی این نصیحت به خط قاضی القضاات برهان الدین بن

۱. البدایة و النهایة، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۲. طبقات الشافعیة، ج ۵، ص ۱۰۶.

۳. هدیة العارفین، ج ۲، ص ۱۴۶.

۴. الأعلام، ج ۶، ص ۲۸۴.

۵. معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۰۱، هدیة العارفین، ج ۱، ص ۱۰۸.

۶. ر.ک: سیر أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۷-۱۱.

جماعه، در دارالکتب المصریّه موجود است. در بخشی از این رساله خطاب به ابن تیمیه آمده است:

... خوشا به حال کسی که عیب‌هایش او را از عیوب مردم بازداشته، و بدا به حال کسی که عیوب مردم او را از عیب خود بازداشته است. تا به کی خار و خاشاک را در چشم برادرت می‌بینی، ولی تنه درخت را در چشمان خودت مشاهده نمی‌کنی؟!

تا به کی خود و مطالبی را که می‌پرانی و عبارات را مدح می‌کنی و در مقابل، علما را مذمت می‌کنی و به دنبال عیوب مردم هستی؛ در حالی که می‌دانی پیامبر از این کار نهی کرده، آنجا که فرمود: «مرده‌های خود را جز به خیر یاد نکنید؛ زیرا آنان در گرو اعمالی هستند که پیش فرستادند»^۱.

آری، می‌دانم که تو برای این که خودت را یاری کنی، می‌گویی: «من کسانی را تنقیص می‌کنم که هرگز بویی از اسلام استشمام نکرده‌اند و از سنت پیامبر آگاهی ندارند و این، در حقیقت جهاد به حساب می‌آید...» .

وی در ادامه می‌نویسد:

ای مرد، قسم به خدا، باید مقابل زبانت را بگیری. تو بحث‌کننده‌ای هستی زبان‌دان که نه آرام هستی و نه فروکش می‌کنی. پرهیز از این لغزش‌هایی که در دین داری، که پیامبر تو، از این مسائل کراهت داشت و از کثرت سؤال نهی می‌فرمود... سخن زیاد، حتی بدون لغزش، اگر در مورد حلال و حرام باشد، باعث قساوت قلب می‌شود.

حال اگر آن سخنان، کفرگویی باشد (که تو انجام می‌دهی)، قلب‌ها را کور می‌کند و پیامد خوبی نخواهد داشت.

ای فرومایه، کسی که از تو پیروی می‌کند، اگر علم و دینش کم باشد، خودش را در معرض انکار خداوند و نابودی دینش قرار داده است.

پیروان تو نیستند، مگر عده‌ای دست و پا بسته و کم عقل، یا بی‌سواد و دروغ‌گو و ابله، یا بیگانه‌ای ساکت که مکرش قوی است، و یا فردی صالح، اما خشک و نفهم.

۱. «لا تَذْكُرُوا مَوْتَكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ، فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضُوا إِلَى مَا قَدِمُوا» (المصنف، ج ۳، ص ۲۴۵؛ کتاب الدعاء، ص ۵۷۲).

ای مسلمان، مرکب شهوت را برای مدح خودت پیش بیاور! تا چه اندازه نفس خود را تصدیق می‌کنی و نیکان را خوار می‌شماری؟ تا چه اندازه نفس خود را بزرگ می‌شماری و عابدان را کوچک می‌دانی؟! تا کی با نفس دوستانه برخورد می‌کنی و کار زاهدان را زشت می‌شماری؟! تا کی می‌خواهی کلامت را به گونه‌ای ستایش کنی که - به خدا قسم - احادیث صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم) را آن‌چنان مدح نمی‌کنی؟! ای کاش احادیث صحیحین از دست تو سالم می‌ماند، بلکه هر وقت خواستی، آنها را با برچسب تضعیف و موهوم بودن یا با تأویل و انکار تغییر داده‌ای.

آیا وقت آن نشده که از کارهایت دست برداری؟ آیا وقت توبه و انابهات فرا نرسیده است؟ آیا در سنین هفتاد سالگی نیستی و هنگام رحلت فرا نرسیده است؟...

ولی من گمان نمی‌کنم که حرف مرا قبول کنی و به موعظه‌هایم گوش فرادهی، بلکه بلندترین همت تو، نقض این ورقه با نوشتن چند جلد کتاب است، تا با کلمات خود حرف مرا قطع کنی و مدام از خود دفاع کنی تا این که بگویم ای کاش من ساکت شده بودم!

حال تو نزد من که مهربان و دوست و رفیق تو هستم، این‌گونه است، چه رسد به حال تو نزد دشمنانت! دشمنانی که در بین آنها افراد صالح و عاقل و فاضل وجود دارد؛ همان‌گونه که در میان دوستداران تو افراد فاجر، دروغ‌گو، جاهل، باطل و غیرمتوازن وجود دارد. من از تو راضی می‌شوم اگر مرا آشکارا دشنام دهی، ولی از حرف‌های من مخفیانه نفع ببری...^۱

ملاحظه کنید که چقدر ابن تیمیه از مسیر حقیقت دور شده و چه مقدار بر پافشاری در اشتباهاتش اصرار کرده است که شخصیتی چون ذهبی که سابقه دوستی با وی را دارد، چنین نامه‌ای به وی می‌نویسد و این‌گونه با ناامیدی از هدایتش، از وی انتقاد می‌کند!

۱. السیف الصقیل، ص ۲۱۷-۲۱۸؛ التوفیق الربانی فی الرد علی ابن تیمیة الحرانی، ص ۲۰۶.

وی همچنین در برخی مسائل دیگر چون طلاق و زیارت قبور در آرای ابن تیمیه مناقشه کرده است.^۱

او در جای دیگری درباره ابن تیمیه می نویسد:

... من بسیار در بررسی احوال او زحمت کشیدم و درباره او به این نتیجه رسیدم که علت کناره گیری اهل مصر و شام و دلیل تنفر مردم از او و سرزنش و تکذیب او، تکبر و خودخواهی و شدت علاقه اش به رهبری در میان علما و توهین به بزرگان بوده است.^۲

۷. تقی الدین سُبکی شافعی (م ۷۵۶ق)

تقی الدین علی بن عبد الکافی سُبکی مصری از علمای شافعی مذهب است که در سال ۶۸۳ ق در سُبک، از قریه های مصر، به دنیا آمد. پس از وفات جلال الدین قزوینی، قاضی القضاات دمشق، در سال ۷۳۹ ق، ناصر، حاکم مصر، وی را به قاضی القضااتی دمشق منصوب کرد. او در سال ۷۴۲ ق مدتی خطیب جمعه مسجد جامع اموی در دمشق شد و در سال ۷۵۶ ق دیده از جهان فرو بست.

بزرگان علم رجال به مقام علمی وی در مذهب شافعی پرداخته اند:

ذهبی شافعی درباره وی می نویسد:

«وی علامه صاحب فنون فخر حَقَّاق^۳ و قاضی القضاات مسلمین و نویسنده کتب زیادی است».^۴

سیوطی، از علمای بنام اهل سنت، درباره وی می نویسد:

وی امام فقیه، محدث، حافظ، مفسر قرآن، اصولی، متکلم، نحوی، لغوی، ادیب، مجتهد و شیخ الإسلام دوران خود بود.^۵

از وی بیش از ۱۵۰ کتاب برجای مانده است که برخی کتب وی عبارت است از:

۱. النکت علی صحیح البخاری؛ ۲. ضیاء المصابیح فی اختصار مصابیح البغوی؛ ۳.

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۶۶؛ ج ۴، ص ۴۸۴.

۲. بیان زغل العلم و الطلب، ص ۱۷-۱۸.

۳. حافظ یکی از بالاترین درجات محدثین در بین علمای اهل سنت است.

۴. تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۵۰۷.

۵. ذیل طبقات الحفاظ، ص ۳۵۲.

السيف المسلول على من سب الرسول ﷺ؛ ٤. إبراز الحكم من حديث رفع القلم؛ ٥.
 الدر النظيم في تفسير القرآن العظيم؛ ٦. إحياء النفوس في صناعة إلقاء الدروس؛ ٧.
 الإغريض في الحقيقة والمجاز والكناية والتعريض؛ ٨. المسائل الحلبية في الفقه؛ ٩.
 الإبتهاج في شرح المنهاج في الفقه الشافعي؛ ١٠. الفتاوى السبكية.

سه کتاب از تألیفاتش در رد ابن تیمیه و عقاید انحرافی اوست که عبارت‌اند از:
 الف) شفاء السقام في زيارة خير الأنام: این کتاب در ده باب تنظیم شده است.
 عبارت‌اند از:

باب اول: احادیث وارد شده درباره زیارت؛
 باب دوم: روایات دال بر فضیلت زیارت، حتی اگر لفظ زیارت در آن نیامده باشد؛
 باب سوم: روایات دال بر سفر برای زیارت پیامبر ﷺ و مشروعیت آن؛
 باب چهارم: نظر علما درباره استحباب زیارت قبر رسول گرامی اسلام ﷺ؛
 باب پنجم: در ادله اینکه زیارت موجب تقرب است؛
 باب ششم: در ذکر دلایل اینکه سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ موجب تقرب است؛
 باب هفتم: در دفع اشکالات منکرین و بحث درباره آرائشان؛
 باب هشتم: در توسل و استغاثه به انبیا و اولیا؛
 باب نهم: در حیات انبیا، پس از مرگ؛
 باب دهم: در شفاعت عظمای پیامبر ﷺ در روز قیامت.

ب) الدرّة المضيئة في الرد على ابن تیمیه: در این کتاب نیز به نقد و بررسی برخی از
 عقائد ابن تیمیه پرداخته است.

ج) السيف الصيقل في رد على ابن زفيل: وی در این کتاب نیز آرای ابن تیمیه و
 امثال وی را درباره تجسیم و تشبیه و حیات برزخی انبیا و اولیا نقد و بررسی کرده
 است. این کتاب همراه با تکمله‌ای از یکی از علمای الأزهر به قلم محمد زاهد کوثری
 در مکتبه زهران مصر منتشر شده است.

١. ابن زفیل همان ابن قیم جوزی شاگرد ابن تیمیه است و این کتاب در نقد قصیده نوبیه ابن قیم است.

وی درباره ابن تیمیه می‌نویسد:

ابن تیمیه بعد از آنکه خود را پیرو کتاب و سنت معرفی و اظهار کرده که دعوت‌کننده به حق و هدایت‌کننده به سوی بهشت است، در اصول عقاید مطالبی را بدعت گذاشته و از پایه‌های اسلام، ارکان و مبانی آن را نقض کرده و به این دلیل از پیروی حق خارج و داخل در عنوان بدعت‌گذار گشته و با مخالفت با اجماع از دایره مسلمین خارج شده است. او سخنی گفته که لازمه آن جسمانی‌بودن خدا و مرکب بودن ذات اوست، تا آنجا که ازلی بودن عالم را ملتزم شده و با این سخنان حتی از ۷۳ فرقه نیز بیرون رفته است.^۱

وی همچنین درباره بدعت ابن تیمیه در تحریم توسل به انبیا و طلب شفاعت از رسول گرامی اسلام ﷺ می‌نویسد:

بدان که جایز و پسندیده است توسل و استغاثه و طلب شفاعت به واسطه پیامبر، از خدا، و جواز و پسندیده بودن آن برای هر کسی که دین دارد، از امور بدیهی است و این پسندیده بودن معروف است از عمل انبیا و مرسلین و سیره سلف صالح و علما و عموم مسلمانان. و هیچ‌کس از پیروان ادیان آن را انکار نکرده است و در هیچ زمانی از زمان‌ها چنین نظری شنیده نشد؛ تا اینکه ابن تیمیه آمد و در این باره حرفی زد که مسئله را برای افراد ضعیف الاعتقاد مشتبه کرد و بدعتی گذاشت که کسی در قرون قبل از او نگذاشته بود.^۲

۸. ابوبکر بن محمد حصنی دمشقی شافعی (م ۸۲۹ق)

شیخ تقی الدین ابوبکر بن محمد حصنی دمشقی شافعی در سال ۷۵۲ ق در قریه‌ای به نام حوران به دنیا آمد و پس از آن به دمشق آمد و فقه شافعی را نزد استادانی چون

۱. السیف الصقیل، ص ۱۹۰/التوفیق الربانی فی الرد علی ابن تیمیه الحرانی، ص ۳۰/التوسل بالنبی ﷺ وجهلته

الوهابیون، ص ۲۱۸.

۲. شفاء السقام، ص ۲۹۳.

زُهری، ابن جابی، صرخدی و غَزّی آموخت و پس از آن به مقابله با ابن تیمیه پرداخت و در این راه تلاش بسیار کرد و عده‌ای از طلاب علوم دینی از او پیروی کردند و به همین جهت در شام نزاع‌های فراوان به وجود آمد. وی در سال ۸۲۹ ق از دنیا رفت.^۱ از وی کتاب‌های بسیاری چون شرح صحیح مسلم در سه جلد، المهمات در دو جلد و قواعد الفقه به جای مانده است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های وی کتاب دفع شبه من شبه و تمرّد در رد افکار ابن تیمیه است که مکتبه الازهریة للتراث به صورت افست آن را چاپ کرده است و در سال ۱۴۱۸ ق با تحقیقات و فهرس به نام دفع الشبه عن الرسول به چاپ رسیده است.^۲

وی درباره آرای ابن تیمیه می‌نویسد:

ابن تیمیه گفته است: هر کس به مرده و یا فرد دور از نظر استغاثه کند...، ظالم و گمراه و مشرک است.

از این سخن ابن تیمیه، بدن انسان می‌لرزد. این سخن، قبل از زندیق حرّان، ابن تیمیه، از دهان هیچ کسی در هیچ زمان و هیچ مکانی بیرون نیامده است این زندیق نادان و خشک، داستان عمر را وسیله‌ای برای رسیدن به نیت ناپاکش در بی‌اعتنایی به ساحت حضرت رسول اکرم ﷺ قرار داده و با این سخنان بی‌اساس، مقام و منزلت آن حضرت را در دنیا پایین آورده و مدّعی شده است که حرمت و رسالت آن بزرگوار پس از رحلت از بین رفته است. این عقیده به یقین کفر و در واقع زندقه و نفاق است.^۳

حصنی دمشقی همچنین بابی را به عنوان پرهیز از عقاید ابن تیمیه باز کرده و وی را اهل گمراهی دانسته و نوشته:

(پرهیز از عقاید ابن تیمیه که اهل زیغ است): ای کسی که دوست داری نفست را از گرو اهل زیغ گمراه و گمراه‌گر برهانی و اقتدا کنی به کسانی

۱. دفع الشبه عن الرسول، مقدمه کتاب.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۳۱.

که در دین سالم هستند! زمانی که این مقدمه برای تو آورده شد، بدان من در سخنان این خبیث (ابن تیمیه) - که در قلب او مرض زبیغ وجود دارد و متشابهات از قرآن و احادیث را برای فتنه‌انگیزی دنبال می‌کند،^۱ و جمعی از عوام و دیگران که خدا قصد هلاک کردن آنها را دارد، از وی پیروی می‌کنند - دقت کردم، چیزهایی یافتیم که قادر به بیان آن نیستیم، و انگستانی که مرا در نوشتن آن یاری کند ندارم؛ چون که خدای عالمین را در تنزیه خودش (از تجسیم و تشبیه) تکذیب کرد.^۲

وی ملاک خوبی برای گمراهی ابن تیمیه بیان می‌کند و آن استفاده از آیات متشابه قرآن برای اثبات عقاید خویش است و این در واقع بزنگاه انحرافات ابن تیمیه و پیروان اوست.

۹. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق)

شهاب الدین ابوالفضل کنانی عسقلانی مصری شافعی، معروف به ابن حجر، در شعبان سال ۷۷۳ق در مصر به دنیا آمد و خیلی زود اقدام به حفظ قرآن و یادگیری علوم اسلامی کرد و پس از مدتی از اساتید خود اجازه افتا و تدریس گرفت.^۳ درباره شخصیت علمی و کتب او در مقدمه محقق کتاب تهذیب الکمال آمده است: «حافظ عصر خود و دارای تألیفات بسیاری چون تهذیب التهذیب و تقریب التهذیب است».^۴

وی دارای بیش از ۱۵۰ تألیف است که بسیاری از آنها مشهور و مورد استفاده فراوان اهل علم است.

کتابی چون تلخیص الحبر، الإصابة، لسان المیزان، تقریب التهذیب، تهذیب التهذیب، طبقات المدلسین و فتح الباری فی شرح صحیح البخاری از مشهورترین آثار اوست.

۱. اشاره به آیه کریمه: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...» (سوره آل عمران، آیه ۷).

۲. دفع الشبهة عن الرسول، ص ۸۲.

۳. فتح الباری، ج ۱، ص ۲.

۴. تهذیب الکمال، ج ۱، ص ۶۶.

کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری معروف ترین و مهم ترین شرح کتاب صحیح بخاری می باشد.

چنان که در تألیفات وی نیز مشهود است، او دارای گرایش ها شدید به اهل حدیث بود و خود یکی از ارکان علمی حدیث نزد اهل سنت است. وی درباره ابن تیمیه و برخورد علما با وی می نویسد:

بزرگان اهل سنت درباره ابن تیمیه دیدگاه های مختلفی دارند؛ بعضی معتقدند که وی قائل به تجسیم است؛ زیرا او در کتاب العقیة الحمویة برای خداوند متعال دست و پا، ساق پا و صورت، تصوّر کرده است؛ و بعضی به سبب مخالفت او با توسّل و استغاثه به رسول اکرم، که این نیز تنقیص مقام نبوت و مخالفت با عظمت حضرت به حساب می آید، وی را زندیق و بی دین دانسته اند.

و بعضی به جهت سخنان زشتی که درباره امیرمؤمنان بیان داشته، وی را منافق دانسته اند؛ چون وی گفته است: جنگ های علی بن ابی طالب برای دیانت خواهی نبود، بلکه برای ریاست طلبی بود... تمامی این سخنان نشانه نفاق اوست؛ چون پیامبر گرامی به علی علیه السلام فرموده است: جز منافق کسی تو را دشمن نمی دارد.^۱

وی همچنین درباره فتوای ابن تیمیه به حرمت زیارت قبور می نویسد:

علما به ابن تیمیه نسبت داده اند که او بار سفر بستن برای زیارت مرقد آقایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را حرام شمرده است و ما نیز این کار ابن تیمیه را قبول نداریم. البته شرح دادن دلایل ابن تیمیه و مخالفین او، بسی طولانی است. این مسئله از زشت ترین مسائلی است که از ابن تیمیه نقل شده است. از جمله دلایلی که ابن تیمیه در ردّ مخالفین خود - که به اجماع علما در مورد جایز بودن زیارت آن حضرت استدلال کرده اند - ذکر می کند، عبارتی است که از مالک بن انس نقل شده است که او کراهت داشت بگوید: «قبر پیامبر را زیارت کرده ام»، اما محققینی که

تابع مذهب مالک بوده‌اند، در جواب ابن تیمیه گفته‌اند: مالک برای اظهار ادب و احترام به پیامبر، کراهِت داشت که این عبارت را بگوید، نه اینکه از زیارت کردن رسول خدا ﷺ کراهِت داشت؛ زیرا که زیارت پیامبر ﷺ از برترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند و جایز بودن آن مورد اجماع تمام علمای امت اسلامی است و هیچ اختلافی در این زمینه وجود ندارد و خداوند هدایت کننده به راه درست است»^۱.

وی همچنین می‌نویسد:

وقتی خبر به قاضی رسید که برخی از افراد نزد ابن تیمیه رفت و آمد می‌کنند گفت: اگر برای کفری که از وی ثابت شده، کشته نشود، باید در برابر وی سخت‌گیری شود. آن‌گاه دستور داد وی را به زندان انفرادی منتقل کنند.

پس از آن قاضی شافعی دمشق دستور داد که در دمشق اعلان کنند که: «من اعتقد عقیده ابن تیمیه حلّ دمه و ماله؛ هر کس معتقد به عقاید

ابن تیمیه باشد، خون و مالش حلال است».

و این اعلامیه را یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام شهاب الدین محمود در مسجد جامع دمشق قرائت کرد که به دنبال آن حنبلی‌ها و افراد دیگری که در معرض اتهام بودند، جمع شدند و اعلام کردند که ما بر مذهب و عقیده امام شافعی هستیم.^۲

از مجموع کلمات ابن حجر عسقلانی درباره ابن تیمیه روشن می‌گردد که مقابله با ابن تیمیه و منحرف دانستن وی در اعتقادات، مختص شیعه نیست، بلکه کسانی چون ابن حجر عسقلانی که از متعصبین اهل سنت است نیز با وی مقابله کرده و عقاید وی را انحرافی دانسته‌اند.

۱۰. صالحی شامی (م ۹۴۲ق)

وی که از علمای شافعی و صاحب کتاب معروف *سبل الهدی و الرشاد* در سیره و

۱. فتح الباری، ج ۳، ص ۵۳.

۲. الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۱۴۷.

احوال و آثار نبوت رسول گرامی اسلام ﷺ است، درباره فتوای ابن تیمیه در منع زیارت قبور می نویسد:

و مشروعیت سفر برای زیارت قبر پیامبر که درباره آن شیخ تقی الدین سبکی و شیخ جمال الدین زملکانی و شیخ داوود ابو سلیمان مالکی و دیگران از علما، کتاب نوشته و در آن نظر ابن تیمیه را که معاصر آنها بوده، رد کرده اند؛ زیرا او در این مورد نظر زشتی داده است که آب دریاها آن را پاک نمی کند...^۱

این نشان دهنده قبح فتاوای ابن تیمیه در میان علمای مذهب شافعی است که فتوایی چون ممنوعیت سفر برای زیارت قبر پیامبر، این گونه موجب موضع گیری ایشان حتی قرن ها پس از وی می شود.

۱۱. ابن حجر هیتمی مکی شافعی (م ۹۷۴ق)

ابن حجر مکی، از علمای بزرگ مذهب شافعی، درباره ابن تیمیه می نویسد: ابن تیمیه بنده ای است که خداوند او را خوار، گمراه، کور و کر گردانیده است و این مطلبی است که امامانی که فساد احوال و دروغ اقوالش را بیان کرده اند، به آن تصریح کرده اند... و کسی که می خواهد از آن اطلاع پیدا کند، بر اوست که به کلام امام مجتهد که بر امامت و جلالتش و رسیدن به مرتبه اجتهادش اتفاق افتاده، یعنی کسانی چون ابوالحسن سبکی، فرزندش تاج الدین، شیخ امام عز بن عبدالسلام و جماعتی از علمای هم عصر او و غیر آنان از علمای شافعی و مالکی و حنفی مراجعه و نوشته های آنها را مطالعه کند. او کسی بود که اعتراضش را بر متأخرین صوفیه محصور نکرد، بلکه بر امثال عمر بن خطاب و علی بن ابی طالب نیز همان گونه که به آن اشاره خواهیم کرد، اعتراض کرد.

حاصل اینکه کلام او هیچ ارزشی ندارد، بلکه با کمال تأسف به دور انداخته می شود و اعتقاد ما درباره او این است که او بدعت گذار و گمراه و گمراه کننده و جاهل و اهل غلو است. خداوند با او به عدالتش رفتار کند و ما را از مثل روش و عقیده و کردارش پناه دهد. از برخی سلف خبر داده

۱. سیل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۳۸۴.

شده که نزد او یادی از علی بن ابی طالب علیه السلام شد. او گفت: سیصد مورد اشتباه کرده است. ای کاش می دانستم اگر به گمان تو علی اشتباه کرده است، از کجا صواب به دست تو رسیده است؟!^۱

وی در جای دیگری می گوید: «من خرافات ابن تیمیة التي لم يقلها عالم قبله و صار بها بين اهل الإسلام مثله، أنه أنكر الاستغاثة والتوسل به».^۲

این عبارات به طور روشن، نظر علمای مذاهب مختلف اسلامی را درباره ابن تیمیه و انحرافات وی روشن می سازد.

۱۲. یوسف بن اسماعیل نبهانی شافعی (م ۱۳۵۰ ق)

وی درباره ابن تیمیه می گوید:

بدان که من در مورد ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم و ابن عبدالهادی معتقدم که از امامان دین و بزرگان علمای مسلمانان بوده اند که امت محمدی را با علم خود نفع عظیمی دادند؛ گرچه در بدعت منع زیارت و استغاثة، نهایت اسائه ادب را کردند و به اسلام و مسلمانان ضررهای بزرگی وارد ساختند. به خدای بزرگ قسم یاد می کنم که قبل از اطلاع یافتن از کلام آنان در این باب در شئون رسول خدا، گمان نمی کردم که مسلمانی چنین جرئتی داشته باشد و در مدت چند ماه در ذکر عبارات آنها تفکر می کردم و جرئت بر نقل آنها نداشتم؛ گرچه برای رد کردن آنها نیز می ترسیدم سبب نشر آنها به جهت شدت افتضاح آنها شوم.^۳

۱۳. نجم الدین محمد امین کردی شافعی (م ۱۴۰۰ ق)

وی نظر ابن تیمیه را صورت دیگری از بدعت های یهودیان دانسته و از مقابله علمای اهل سنت با این انحرافات به عنوان قیام علمای اهل سنت و جماعت یاد کرده و نوشته:

در قرن های پیشین بین اهل اسلام بدعت هایی یهودی از قبیل قول به

۱. التوسل بالنبي صلی الله علیه و آله وجهلة الوهابيون، ص ۲۳۴؛ الفتاوى الحديثة، ص ۱۴۴.

۲. الجوهر المنظم، ص ۱۴۸.

۳. شواهد الحق في الاستغاثة بسيد الخلق، ص ۶۲.

تشبیه و تجسیم و اعتقاد به جهت و مکان در حق خدای متعال وجود داشت که از ساخته‌ها و پرداخته‌های دشمنان اسلام بود، تا کینه خود را بر ضد اسلام محکم سازند؛ در حالی که برخی از اهل اسلام از آنان غافل بوده‌اند... تا اینکه در اوایل قرن هشتم این بدعت‌ها به شکل دیگری، صورتی شبیه به یهود به خودگرفت که خطر آن کمتر از اقدامات یهود نبود. این کارها به دست فردی به نام ابن تیمیه حرّانی انجام گرفت که علمای اهل سنت و جماعت در مقابل آنها قیام کردند به طوری که در عصر او کسی باقی نماند تا او را یاری کند، مگر کسی که دارای غرض یا در قلبش مرض بود...^۱

چنان که روشن است، در طول قرون متمادی پس از ظهور ابن تیمیه و آشکار شدن افکار انحرافی‌اش، بسیاری از علمای اسلامی از مذاهب مختلف وظیفه خود دانستند که به مقابله با این انحراف بزرگ بپردازند و کسانی که ذکر شدند، تنها برخی از این افراد بودند. همه این علما و بسیاری دیگر از علمای مذاهب مختلف اسلامی که به نقد وی پرداختند و در مقابل انحرافات وی ایستادند، آرای وی را در تقابل با میسر صحیح اسلامی می‌دانستند و همواره بر ضال و مضل بودن وی تأکید داشتند.

۱۴. جباوی سعدی شافعی (معاصر)

وی از علمای شهر صیدا در لبنان و صاحب چهار کتاب در رد ابن تیمیه است. وی در مقدمه یکی از این کتاب‌ها با نام *کشف المین فی شرح الحرائی لحديث ابن حصین* می‌نویسد:

این کتاب را کشف المین (یعنی کذب) نامیدم و در آن تهمت ابن تیمیه حرّانی و نسبت‌های ناروایش را به عقل و نقل بیان کردم... و این بعد از اطلاع کامل من از کتاب‌های او همچون *مجموع الفتاوی* و *درء التعارض* و *منهاج السنّة* و *الصفندیة* و دیگر کتاب‌های اوست که برخی از نصوص آن را نقل کردیم و از آن جمله اعتقاد به قدیم بودن نوع عالم در کتاب کشف *الترکلی* است که به‌طور مفصل مذهبش را بیان و آن را ردّ کردیم...^۲

۱. فرقان القرآن، ص ۲.

۲. کشف المین فی شرح الحرائی لحديث ابن حصین، مقدمه.

وی همچنین می‌نویسد:

از خداوند متعال می‌خواهم که چشم بصیرت به پیروان او بدهد و آنان را به حق هدایت کند، تا چه رسد به کسانی که مغبون شدند و فریب حرف‌های او را خوردند، تا جایگاه این بدعت‌گذار را به‌خوبی بدانند و آگاه گردند که او جز فردی خارج شده از دین و کافر نیست و در اعتقادات منفرد بدعت‌گذار و گمراه بود و از جماعت مفارقت کرد.^۱

۱۵. حسن بن علی السقاف شافعی (معاصر)

وی نویسنده توانمند شافعی مذهب عصر حاضر است^۲ و از وی شش کتاب در مقابله با اندیشه‌های ابن تیمیه و وهابیت به چاپ رسیده است:

۱. *الإغاثة بأدلة الاستغاثة*: در بیان حیات انبیا بعد از مرگ و ادله جواز توسل به پیامبر بعد از وفات ایشان است که انتشارات الامام نووی عمان (اردن) در سال ۱۹۹۰م چاپ کرده است.

۲. *البشارة والإتحاف بما بین ابن تیمیه و الألبانی فی العقیده من الاختلاف*: این کتاب در باب اختلاف‌های عقیدتی بین علمای سلفی چون آلبانی و ابن تیمیه تألیف شده است و در سال ۱۴۱۳ق انتشارات دارالامام النووی در اردن چاپ کرده است.

۳. قاموس شتائم: یکی دیگر از کتب وی در رد وهابیت است که در آن اهانت‌های آلبانی، از سلفی‌های معاصر، به علمای اهل سنت را در آن جمع آوری کرده و به آن پاسخ داده است.^۳

۴. *التنديد بمن عذد التوحيد*: یکی دیگر از کتب وی در رد تفکرات ابن تیمیه است. وی در این کتاب اقدام ابن تیمیه به تقسیم توحید به توحید ربوبیت و توحید الوهیت و تکفیر مسلمانان به گمان عدم اعتقادشان به توحید الوهیت را نقد کرده است.

۱. کشف المین فی شرح الحرائی لحديث ابن حصین، خاتمه کتاب.

۲. از وی کتبی چون *إلقام الحجر للمتطاول على الأشاعرة من البشر، إعلام الخائض بتحريم القرآن على الجنب والخائض، احتجاج الخائب بعبارة من ادعى الإجماع فهو كاذب، القول المبتوت في صحة حديث صلاة الصبح بالقنوت*، به چاپ رسیده است.

۳. قاموس شتائم، ص ۶.

وی در مقدمه این کتاب درباره این تقسیم‌بندی ابن تیمیه می‌نویسد:

این تقسیم بدعت زشتی است که در قرن هشتم و پس از گذشت بیش از هشتصد سال از دوران پیامبر واقع شده است و کسی قبل از او (ابن تیمیه) این مطلب را نگفته است و هدف قائلین این دیدگاه تشبیه مؤمنین مخالف با به ظاهر سلفی‌ها به کفار و بلکه تکفیر آنها با این ادعا که آنها مثل سایر کفار توحید ربوبیت دارند، اما توحید الوهیت ندارند و به همین جهت، متوسلین به انبیا و اولیا کافر هستند و همین‌طور بسیاری از کسانی که در بسیاری از اموری که فکر می‌کنند حق است با آنها مخالف‌اند، کافرند و باعث همه اینها این حرانی (ابن تیمیه) است.^۱

۵. تنقیح المفهوم العالیة بما ثبت وما لم یثبت فی حدیث الجاریة: این کتاب در ردّ کتاب مختصر العلو نوشته ناصر الدین البانی، از علمای سلفی مذهب، درباره تجسیم و تشبیه خدا و اثبات مکان برای باری تعالی است.

این کتاب در سال ۱۴۱۴ق در اردن به همت انتشارات دارالامام النووی به چاپ رسیده است.^۲

۶. فتح المعین: این کتاب نقد کتاب /ربعین (چهل حدیث) ابواسماعیل هروی در موضوع صفات باری تعالی است. وی در این کتاب به این روایات که اثبات صفات جسمانی برای خداوند متعال است، اشکالات اساسی وارد کرده است و در ضمن آن عقاید تجسیمی و تشبیهی ابن تیمیه را نیز نقد کرده است.^۳

۱۶. محمود سعید ممدوح (معاصر)

وی یکی از علمای معاصر مذهب شافعی و از نویسندگان مشهور اهل سنت در دوران حاضر است. از وی کتابی به نام رفع المنارة فی تخریج احادیث التوسل والزّیارة در سال ۱۴۱۶ق به همت دارالامام نووی اردن به چاپ رسیده است. وی در این کتاب به طور مبسوط و مستدلّ به بررسی احادیث توسّل و زیارت پرداخته و به اشکالات

۱. التندیّد بمن عدّد التوحید، ص ۸.

۲. تنقیح المفهوم العالیة، مقدمه کتاب.

۳. ر.ک: فتح المعین، ص ۳.

ابن تیمیه و دیگر حنبلی‌ها به احادیث زیارت و توسل پاسخ داده است.^۱
همچنین از وی کتابی به نام *وصول التهاني بإثبات سنّة السبحة والرد على الألباني* در ردّ یکی از دیدگاه‌های البانی از علمای وهابیت، به چاپ رسیده است.^۲

۱۷. **بغدادی نقشبندی خالیدی معروف به طحطاوی (معاصر)**
از وی کتابی با نام *المنحة الوهبية في ردّ الوهابية* در سال ۱۹۸۶م به همت انتشارات الحقیقة استانبول ترکیه به چاپ رسیده است.^۳

♦ نتیجه

از مجموع مطالبی که از تعدادی از علمای مذهب شافعی نقل شد، این گونه استفاده می‌شود که از آغاز پیدایش تفکرات ابن تیمیه، با این تفکرات به عنوان یک انحراف در جامعه اسلامی علمای مذاهب مختلف اسلامی مقابله کردند؛ به طوری که تنها علمای یکی از مذاهب فقهی اهل سنت این چنین اهتمام به نقد و مقابله با وی پرداختند و این مقابله و برخورد جدی، زمینه‌ساز طرد افکار وی از جامعه اسلامی و نابودی مروجان این تفکر یعنی وهابیت است. به امید آنکه علمای معاصر نیز به این وظیفه خود عمل کنند و با انحرافات اعتقادی اسلامی به مقابله برخیزند.

۱. رفع المنارة، ص ۲۸۸.

۲. وصول التهاني، ص ۳.

۳. المنحة الوهبية في رد الوهابية، مقدمة، ص ۲.

♦ منابع

* قرآن کریم.

۱. /الأعلام: خير الدين زركلي، بيروت - لبنان: دارالعلم للملایین، چاپ پنجم، ۱۹۸۰ م.
۲. /البدایة و النهایة: ابن کثیر، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۳. /البدایة و النهایة: اسماعیل ابن کثیر، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارإحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۴. بیان زغل العلم و الطلب: شمس الدین ذهبی، منبع الکترونیکی الشاملة.
۵. تذکرة الحفاظ: شمس الدین ذهبی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، بی تا.
۶. التندید بمن عُدّ التوحید: حسن بن علی سقّاف، عمان - اردن: دارالإمام النووی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۷. تنفیح المفهوم العالیة: حسن بن علی سقّاف، عمان - اردن: دارالإمام النووی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۸. تهذیب الکمال: المزی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت - لبنان: مؤسسة الرسالة، چاپ چهارم، ۱۴۰۶ ق.
۹. التوسل بالنبی ﷺ و جهلة الوهابیین: ابی حامد ابن مرزوق، استانبول: مكتبة ايشيق، ۱۸۷۶ م.
۱۰. التوفیق الربانی فی الرد علی ابن تیمیة الحرانی: جماعة من العلماء، افسس، بی تا.
۱۱. الجوهر المنظم: ابن حجر هیتمی مکی، بی تا.
۱۲. الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة: ابن حجر عسقلانی، بی تا.
۱۳. دفع الشبه عن الرسول: تقی الدّین حصنی دمشقی، قاهره: انتشارات دارإحياء الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. ذیل طبقات الحفاظ: جلال الدین سیوطی، بی تا.
۱۵. سبیل الهدی والرشاد: صالحی شامی، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. سیر أعلام النبلاء: شمس الدین ذهبی، تحقیق: حسین اسد، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق.

۱۷. *السيف الصيقل في رد على ابن زفيل: تقى الدين سبكي شافعي، مصر: مكتبة زهران با مقدمه* گروهی از علمای دانشگاه الازهر، بی تا.
۱۸. *شفاء السقام: تقى الدين سبكي، تحقيق: سيد محمد رضا حسيني جلالی، بی جا، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ ق.*
۱۹. *شواهد الحق في الاستغاثه بسيد الخلق: شيخ يوسف بن اسماعيل نهاني، استانبول: مكتبة حقیقه، ۱۹۸۴ م.*
۲۰. *طبقات الشافعية: تاج الدين، بيروت: عالم الكتب، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.*
۲۱. *فتح الباري في شرح صحيح البخاري: احمد بن على ابن حجر عسقلانی، بيروت - لبنان: دارالمعرفة للطباعة و النشر، چاپ دوم، بی تا.*
۲۲. *فتح المعين: حسن بن على سقاف، عمان - اردن: دارالإمام النووي، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.*
۲۳. *قاموس شتائم: حسن بن على السقاف، عمان: دارالامام النووي، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.*
۲۴. *كتاب الدعاء: برانی، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.*
۲۵. *كشف المين لحديث الحراني لحديث ابن حصين: طارق بن محمد سعدی شافعی، بيروت: مكتبة دار الجنید، چاپ اول، بی تا.*
۲۶. *المصنف: ابن ابی شيبه كوفي، تعليق و تحقيق: سعيد اللحام، بيروت - لبنان: دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.*
۲۷. *معجم المؤلفين: عمر كحاله، بيروت - لبنان: مكتبة المثنی، بی تا.*
۲۸. *هدية العارفين: اسماعيل باشا البغدادي، بيروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی، بی تا.*